

درآمدی بر «فقه شهر» (چیستی، ابعاد، ساختار)

علی الهی خراسانی

با توجه به آنکه رکن اساسی هر تمدنی، «شهر» است در چشم‌انداز رسیدن به تمدن نوین اسلامی، داشتن «فقه شهر» و پرداختن بدان با رویکرد فقه اجتماعی ضروری است. فقه شهر در دو بعد کلان به «زندگی شهری» و «نظام شهرسازی» می‌پردازد.

نظام شهرسازی اسلامی

درباره نظام شهرسازی اسلامی به‌عنوان بعد کلان دوم فقه شهر باید گفت فرآیند اجتهاد منظومه‌ای در نظام‌سازی شبکه موضوعات شهرسازی بر اساس مراحل زیر صورت می‌گیرد که به اختصار چنین است:

۱- طراحی نظام موضوعات شهر و شهرسازی:

برخلاف اجتهاد مسأله‌نگر که برون‌داد آن در توضیح‌المسائل‌های موجود است، در اجتهاد منظومه‌ای، موضوع شناسی در قالب «نظام‌واره» ضروری می‌نماید و اولین مرحله اجتهادی به‌شمار می‌رود.

۲- طراحی نظام سؤالات شهرسازی از شریعت:

پس از طراحی نظام موضوعات و ارتباط شبکه‌واری آنها، نسبت به هر یک از عرصه‌های شهر و شهرسازی و بر اساس نظام موضوعات و با نگاه به واقعیت زندگی شهری، سؤالات مشخص و جزئی از موضع شریعت طراحی می‌شود.

۳- انسجام مفاهیم مرتبط با شهر و شهرسازی در آیات و سیره اهل بیت (ع):

با توجه به نظام موضوعات شهر و شهرسازی، مفاهیم متناسب با آیات و نیز سیره قولی، فعلی و تقریری اهل بیت (ع) کشف و استخراج می‌شود. به‌عنوان مثال مفهوم بلندمرتبه‌سازی در شهر، مرتبط با مفهوم «رفع بناء البیت» یا «تشید البنان» در منابع شریعت است. این مفاهیم باید دسته‌بندی و انسجام منطقی داشته باشد.

۴- اصطلاح‌نامه جامع معارف اهل بیت (ع) در عرصه‌های شهرسازی:

پس از کشف مفاهیم متناسب با موضوعات شهر و شهرسازی در سیره قولی، فعلی و تقریری اهل بیت (ع)، بر اساس دانش اصطلاح‌نامه نویسی و به‌روزترین روش آن، اصطلاح‌نامه‌ای جامع تدوین می‌شود.

۵- استنباط و تولید نظریه‌های فقهی در شهرسازی:

برای هر مدخل کلان کشف شده در اصطلاح‌نامه جامع شهرسازی اسلامی، باید نظریه فقهی تولید شود.

در اجتهاد منظومه‌ای، فقه علاوه بر کشف اعتبار قانونی، تولید «نظریه فقهی» را نیز برعهده دارد.

۶- طراحی الگوهای اسلامی شهرسازی:

بر اساس نظریه‌های تولید شده، جهت استنباط و طراحی الگوهای زیست شهری بر اساس معارف اسلامی، اجتهاد منظومه‌ای صورت می‌گیرد؛ البته این اجتهاد زمان بردار است و نباید از پیچیدگی و سختی این اجتهاد دوری کرد و این اجتهاد را سطحی و زودبازده دید. این اجتهاد، متکی بر تلاش فردی نیست و به‌مثابه «دستگاه اجتهاد» است که حتماً باید به‌صورت گروهی انجام شود. نتیجه این اجتهاد لزوماً احکام پنجگانه تکلیفی و اعتبارات قانونی نیست بلکه الگوهای فرهنگی و زیستی است که می‌تواند قانون‌ساز باشد. این اجتهاد، بر اساس مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم اسلامی و علوم انسانی مرتبط با شهر و شهرسازی شکل می‌گیرد.

۷- برنامه‌ریزی سطح‌بندی شده و طراحی نظام ترجیح اجتماعی:

برای تحقق و عینیت‌یابی الگوهای زیست شهری در جامعه، دستگاه اجتهاد نیز حضور دارد. اجتهاد منظومه‌ای با توجه به سطوح خرد، کلان و توسعه جامعه برنامه‌ریزی می‌کند. بُعد قوام‌بخش این برنامه‌ریزی، طراحی نظام ترجیح و پسند اجتماعی است. برای تحقق الگوها باید مسیر «انتخاب» همگانی و پسند عمومی جامعه را در نظر گرفت. سبک زندگی، بستر انتخاب فرد و جامعه است و نمی‌توان با تحمیل حاکمیتی و بدون توجه به نظام ترجیح و پسند جامعه، الگوهای شهرسازی اسلامی را در جامعه جاری کرد و عینیت بخشید. هنر و رسانه

۸- نظام ارزیابی فقهی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی:

پس از تحقق الگوهای زیست شهری و عینیت‌یابی آن توسط انتخاب مردم در سبک زندگی خود، آخرین مرحله ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی الگوهای زیست شهری بر اساس ملاک‌های اسلامی است. این ارزیابی می‌تواند خطاهای طراحی و جای‌گیری الگوهای زیست شهری را در اجتهاد منظومه‌ای روشن کند. به هر حال اجتهاد منظومه‌ای بر اساس معرفت انسانی و البته با منطوق استنادی به منبع دین است و قطعاً می‌تواند دارای نقص باشد. البته باید در اجتهاد منظومه‌ای هر تبیین علمی و نظریه فقهی دارای کمترین نقص و اشکال باشد و منطقی‌ترین استناد به منابع دین را داشته باشد.